

ماهیت نمایندگی مردم در مجلس

اصولاً بسترهای نخبگی سیاسی در جامعه از فرهنگ خاصی برخوردار هستند و نخبگان سیاسی - اجتماعی در جامعه از الگوهای ویژه‌ای بهره می‌برند. نمایندگی مجلس نیز با مجموعه هویتی وظایف و نقش‌های بی‌بدیل که در جامعه دارد، افراد خاصی را طلب می‌نماید که به واقع شاخص‌های نخبگی را دارا باشند و از قابلیت‌های ذاتی برای این پست سیاسی - اجتماعی برخوردار باشند. نمایندگان مجلس الزام دارند که در ماهیت وظیفه و کار خود که وکالت از سوی مردم است به کنش‌های ویژه‌ای مترتب گردند و دارای توانمندی‌های بالاتر از سطح عمومی در جامعه باشند. این افراد فطرتاً باید هویت فردی پیش‌رانه داشته باشند و در قالب نمایندگی مردم در مجلس از دانش، تجربه و علوم لازمه برخوردار بوده و توانایی تبیین و تحلیل و تفسیر در مورد کلیه سازه‌های اجتماعی را دارا باشند.

فعالیت سیاسی - اجتماعی در سطوح بالا هویت‌های فاصله‌داری از سطح عمومی و توده‌گری در جامعه دارد و نمایندگان مجلس باید توانمندی بالاتر از میدان عمومی را دارا باشند. بر این اساس در این نوشته در باب نقش، جایگاه، وظائف و فعالیت‌های نمایندگان در مجلس توضیح داده می‌شود و به کار - نقش یک نماینده مجلس پرداخته می‌گردد. ولی باید دانست که به طور کلی این نوشته در حکم نویسی کلیات است و نمی‌توان در این مقال و فرصت به جزئیات موضوع و ریز مباحث نمایندگی مجلس وارد شد. چراکه نه در حوصله خواننده و نه در حد نیاز است. اساساً مردم در مورد نمایندگی مجلس و اینکه در تبلیغات چه گفته می‌شود و اینکه در حوزه عمل در مجلس چه اتفاقاتی می‌افتد، اطلاعات "تعریف شده تکراری" دارند و بجز قشر جوان که تجربه کمتری دارند، عموم جامعه معمولاً ماهیت نمایندگی را می‌شناسند و قاعده کلی این است که مردم نمایندگی مجلس را فعالیت بسیار ساده تلقی می‌نمایند و استنباط نیز چنین است که هر کس می‌تواند به راحتی در این راه گام بگذارد و نماینده مجلس گردد. و برآستی تعداد زیاد داوطلبین نمایندگی مجلس در این دوره (دوره دهم) و افزایش نامزدها نسبت به دوره‌های قبل، گواه مکفی بر این ادعا می‌باشد. شوربختانه به جهت نبودن بستر بازی و حضور برای احزاب مردمی در جامعه بسته ایران، هر فرد با دارا بودن حداقل‌ها (مثلاً مدرک تحصیلی، سن) پای در مبارزه انتخاباتی مجلس و یا حتی دیگر انتخابات مرسوم (ریاست جمهوری و شوراها) می‌گذارد. در این پیکار با عبور از فیلترهای خاص وزارت کشور و شورای نگهبان بستر مبارزه و نمایش فردی برای راهیابی به مجلس آغاز می‌گردد. ولی مسلماً راه برای همه کس هموار نیست و بطور معمول این افراد خاص و مشخص شده‌ای هستند که در مجلس حضور می‌یابند. نویسنده به کرات در نوشته‌های خود به هویت اصیل "مدیر" در جامعه اشاره داشته و شاخص‌های یک مدیر توانمند و مدبر را مطرح نموده است. اینکه افراد با در اختیار داشتن مدرک تحصیلی پایه، شایستگی ثبت نام داشته باشند و با عبور از مراحل خاص به مجلس راه می‌یابند، نشانه ناسالم بودن فرایند انتخاب نمایندگی در مجلس است. بسیار مشاهده نموده‌ایم که در شرایط و موقعیت‌های مختلف، کاندیداهای ورود به مجلس به هنگام تبلیغات انتخاباتی، شعارها و وعده‌های گوناگون (حتی نشدنی) را مطرح می‌کنند. شعارها و وعده‌هایی مانند؛ جاده‌کشی، ایجاد کارخانه و بیمارستان، ساخت مدرسه و دانشگاه، ایجاد اشتغال و

رفع بیکاری، ایجاد بستر درخشان برای آینده نسل جوان و همچنین خیلی شعارهای دیگر را به کرات در هنگامه‌های انتخابات شنیده‌ایم و دیده‌ایم. برآستی نقش نماینده مجلس صرفاً در همین شعارها خلاصه می‌گردد و کار نمایندگی مجلس در همین حد است؟! برخلاف قاعده معمول و جاری در جامعه که داوطلب‌های مجلس امور مربوط به حوزه‌های اجرایی را به رخ مردم می‌کشند و پیوسته شعارهای ساخت فلان چیز و ایجاد بستر فلان مورد را می‌دهند؛ ولی هیچ کس نیست که این پرسش را در جامعه جاری نماید که مگر نماینده مجلس مدیر اجرایی است که نوید و بشارت ایجاد و توسعه کارهای اجرایی را می‌دهد؟! باید بدانیم که به یقین کار در حوزه نمایندگی مجلس تفاوت اساسی با کار در حوزه‌های اجرا دارد. بیشتر وعده‌ها و نویدهایی که نامزدهای نمایندگی مجلس می‌دهند، ارتباطی به جایگاه و نقش نمایندگی و ماهیت مفهومی کار در مجلس را ندارند. نماینده مجلس شغل اجرایی ندارد که وعده‌های "ساخت و تولید" بدهد. نماینده مجلس تصدی دولتی ندارد که به امور اجرایی در جامعه بپردازد. بر چه مبنایی نماینده مجلس وعده ساخت کارخانه یا مدرسه و ... را می‌دهد؟! مگر نماینده مجلس منابع مالی یا قدرت اجرایی (در دولت یا حاکمیت) دارد که شعار ایجاد و تولید می‌دهد؟ در واقع چنین نیست و ماهیت نمایندگی مجلس در کشور ما لوث شده است. البته اگر در مواردی خاص و در شرایط غیر متعارف و غیر معمولی نمایندگان مجلس در دوره‌هایی و در مناطقی به ساخت مثلاً کارخانه و دانشگاه رسیده‌اند، در حکم همین لوث شدن است و نمایندگان مربوطه با داشتن رابطه‌های سیاسی و نفوذ در قدرت بوده که برخلاف عرف اجتماعی به "ساخت" رسیده‌اند. وگرنه می‌دانیم که هر نماینده مجلس توان انجام این کارها را نداشته و معمولاً نمایندگان مجلس بنابر قدرت و جایگاه سیاسی خود است که دسته بندی می‌گردند^۱. البته باز هم لازم به ذکر است که این هم قاعده کلی نیست که کلاً ایجاد جاده، مدرسه، مسجد یا بیمارستان خطای عملکردی در کار نمایندگی مجلس محسوب گردد، بلکه منظور نویسنده از این بیانات، مربوط به موارد غیر معمولی و خارج از قاعده لازم است. مثلاً ساخت دانشگاه در محلی که ظرفیت لازم ندارد و ایجاد کارخانه‌ها و کمپانی‌های کلان در جاهایی که ظرفیت اجتماعی و منابع و مزیت‌های الزاماتی را ندارند، در این حکم می‌گنجد و فعالیت نماینده مجلس برای ایجاد سازه‌های نامناسب و نامتجانس در برخی شهرها و مناطق دقیقاً خطای استراتژیک بشمار می‌آید. برای مثال ساخت شهر پدیده مشهد و کارخانه فولاد اصفهان در این حکم کلی قرار می‌گیرند و به همین دلیل است که این سازه‌ها به بحران آب در استان‌های خراسان و اصفهان شدت بخشیده‌اند و مسلماً امروز مسایل و مشکلات پیش بینی نشده زیادی را در این بوم‌ها مشاهده می‌نماییم. این مشکلات همان امور غیرلازمه هستند که بر مردم و منابع منطقه فشار مضاعف وارد نموده‌اند. البته ساخت برخی سازه‌ها از جمله سازه‌های آموزشی - بهداشتی امری مسلم و ضروری برای هر بستر اجتماعی هستند و نباید در این حوزه‌ها کوتاهی نمود. اما با این حال باز هم لازم به اشاره است که کار نماینده صرفاً در حد و حیطة ساخت مدرسه و دانشگاه و بیمارستان هم نیست (چرا که مثلاً مدرسه و بیمارستان لازم‌ه هر منطقه هستند). بلکه ماهیت کار مجلس و نمایندگان مجلس فراتر از این امور بوده و از منظر قانون اساسی و قانون

۱- البته این گفته قطعیت کامل در همه موارد ندارد و در خیلی موارد نیز یکی از کارهای نمایندگی مجلس همین رسیدگی و کمک برای ساخت و تولید است. منتهی اینکه بدون مطالعه بومی، اقدامات ساخت صورت گیرد، همانا هرز روی منابع است و در هر بوم باید بر اساس وضعیت بوم اقدامات صورت پذیرد.

اجتماعی، تقنین و تدوین قوانین لازمه برای تمامی لایه‌های نیازی و الزاماتی جامعه، یک مقوله با اهمیت در حوزه عملکردی هر نماینده مجلس است. یعنی هر نماینده حوزه‌ای وظیفه دارد تا با شناسایی و کشف مزیت‌ها، قابلیت‌ها، قوت‌ها، ضعف‌ها، مسائل و مشکلات، نیازها، الزامات و برآورد اقدامات بایسته در مورد موقعیت و وضعیت بوم مورد نمایندگی، نظرات و پیشنهادهای را به صحن مجلس کشانیده و موضوعات مورد نظر خویش را در مجلس مطرح نماید. بدیهی است پس از طرح کلیه پیشنهادهای، پیش‌بینی‌ها و دیگر نظریه‌ها، موضوعات مختلف در مجلس به چالش کشیده می‌شوند و در نهایت و پس از بررسی و تحلیل تمامی موضوعات مربوط به دیگر حوزه‌ها، نتیجه‌گایی در قالب طرح و قوانین موضوعه، به قوه مجریه و دیگر مبانی کشوری منتقل می‌گردد. اینجانب ضمن اینکه قایل به وظایف و نقش‌های فوق برای نماینده مجلس می‌باشم، فراگردهایی را تکمیل‌گر و در راستای همان نقش‌ها دانسته و برای تفهیم و روشن شدن موضوع، نظر خواننده را به مطالب ذیل معطوف می‌نماید.

تفاوت‌های نمایندگی مجلس و مدیران دولتی

در جوامع انسانی کنش‌ها و فعالیت‌ها در حوزه‌های دولتی - عمومی، متنوع و گوناگون بوده و ماهیتی فرای کنش‌های عادی - عامی دارند. شاید در گذشته نقش حکومت‌ها و دولت‌ها، حکمرانی، فرمانروایی و حاکمیت داشتن بر مردم بود، اما امروز این نقش‌ها و قابلیت‌ها شکسته شده و حکومت‌ها - دولت‌ها وظائف ترکیبی ساخت، همراهی، دلالت، راهبری جامعه و اجزای جامعه (مردم و سازه‌های اجتماع) را دارند. به موازات این شرح وظایف، ماموران حکومتی نقش جوهری و بنیادی نمایندگی از طرف مردم برای اجرا نمودن امور کشور را دارند. تمامی کوشش ماموران یا مدیران حکومتی - دولتی این است که در جهت ایجاد سازه‌های رفاه، رشد و توسعه همه جانبه مردم و جامعه اهتمام ورزند. هر چند در گذشته حکومت‌ها و دولت‌ها بر بالا سر مردم قرار داشتند، ولی در این عصر حکومت‌ها جایگاهی در کنار مردم و همنشینی با آنان را دارند. مقوله هدف در این نوشته نیز که مجلس و نمایندگی مجلس است، خارج از فرایند تعریفی فوق نبوده و مجلس و نمایندگان آن وظیفه قانون گذاری برای برآورده سازی خواست و نظر مردم را دارا می‌باشد. با مفاهیم فوق مدیران دولتی و نمایندگان مجلس هر دو نمایندگی مردم را بر دوش می‌کشند، اما هر کدام وظایف خاص خود را دارند. مدیران دولتی وظیفه اجرا و مدیران مجلس (نمایندگان) وظیفه قانون گذاری، ارایه طرح و نظارت بر امور اجرایی را بر عهده دارند. البته به واقع تمام کار و وظیفه نماینده مجلس فقط نظارت و قانون گذاری تنها نیست، بل به عنوان نمایندگی از طرف مردم دیگر وظایف (قبل از اجرا) را در کلیه امور کشوری بر عهده داشته و در قالبی مشاورگونه در کنار مبانی اجرا (دولت و حکومت) قرار می‌گیرند.

وظایف و نقش‌های نمایندگان مجلس

اینک که به وظائف اساسی و ذاتی نماینده مجلس و نهاد مجلس آشنا شدیم، پر واضح است که شعارهای مرسوم در جامعه از ناحیه برخی کاندیداهای نمایندگی و نمایندگان مجلس برای نشانه‌گذاری قابلیت‌ها و توانمندی‌هایشان درست نیست و

بهتر است نماینده مجلس بر وظائف اصلی و فطری خود کوشا باشد. اینکه نماینده مجلس در شعارهای قبل از نمایندگی دخالت در امور اجرائی نماید و مثلاً به رفع مشکل بی کاری بپردازد یا اینکه نوید ساخت کارخانه بدهد، قطعاً درست نیست. شاید بتوان گفت که برخی بی نظمی‌ها و تداخل مفاهیم کار و عمل در شبکه‌های اجرا و قانون‌گذاری، پیوند حتمی و گریز ناپذیر به همین استنباطات و تحلیل‌های ناروا دارد و بسیاری از مسئولین و مدیران در حیطه کار و وظائف یکدیگر دخالت بی جا داشته و موجبات لوٹ شدن یا تخریب بسترهای کار و متن می‌گردند. اگر چه نماینده مردم و مدیر اجرایی دولتی - حکومتی در یک راهواره حرکت می‌کنند و قاعدتاً در یک هم راستایی موازی به اهداف مشخص و از پیش تعیین شده روی دارند، ولی به یقین ماهیت کار و نقش این دو تفاوت‌های جوهری دارند. نماینده در حرکت جوهری خود به خواست‌های مردم توجه دارد و با ماهیت نخبه بومی به نیازهای منطقه توجه دارد. ولی مدیر دولتی وظیفه چرخانش و گرداندگی طرح‌ها و برنامه‌ها را در دست می‌گیرد و طرح‌ها را اجرایی می‌نماید. نماینده مردم وظیفه جستجو و پیدایش الزامات را بر مبنای موقعیت و وضعیت موجود در نظر می‌گیرد و این مدیر دولتی است که به اجرا می‌رسد. شاید در مفهومی دیگر نماینده وظیفه نظریه‌سازی دارد و کنش‌های نظری انجام می‌دهد و مدیر دولتی وظیفه عملیات سازی داشته و کنش‌های عملی را انجام می‌دهد. به جهت ضرورت توضیح و تفهیم شدن موضوع، در معادله تناسبی زیر مجموعه وظائف و نقش نماینده مجلس و نهاد مجلس به فصاحت و روشنی در یک شمای کلان و مختصر ترسیم می‌گردد.

مرحله اول

مطالعه/پژوهش/کنکاش/اکشف/شناخت/درک

(نیازها، الزامات، مزیت‌ها، کمبودها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها، نقاط ضعف و قوت، مسائل و مشکلات)

منطقه/ بوم در مقایسه با مناطق همجوار و ترکیب در کلان کشور

مرحله دوم

ارایه و مشاوره به مبانی اجرا

قانون گذاری بر اساس بوم و کلان سیاست

مرحله سوم

پی گیری انجام/ نظارت و کنترل

بررسی بازخورهای اجتماعی

مرحله چهارم

اصلاح و تغییر

پیش بینی و برآورد

« ماهیت وظایف و نقش کلان نمایندگان مجلس »

مرحله اول

هر فرد که اراده و تصمیم برای بدست آوردن نمایندگی مردم در مجلس را داشته باشد، در درجه نخست باید در حوزه‌های اجتماع شناختی، مردم شناسی و بوم شناسی کفایت تخصص و تبحر را داشته باشد. فرایند تناسبی کارراهه نماینده مجلس که در بالا به تصویر کشیده شده است، یک فراگرد الزامی و حرفه‌ای در حوزه‌های نظر و عمل برای هر فرد نماینده مجلس است. یعنی در شناخت و درک فرایند فوق است که هر نماینده توانایی و دانایی خویش را در حوزه نمایندگی خود در جهت رشد و ارتقاء بوم و محل خویش به نمایش می‌گذارد. لازم است فرد نماینده مجلس قابلیت‌ها و توانش‌هایی فراتر از سطح عوام در بوم خود داشته باشد. فرد نماینده باید بتواند بوم و مردم تحت نمایندگی خود را مورد کنکاش و مذاقه قرار دهد. این کنکاش و تجزیه و تحلیل متن(محل نمایندگی) باعث می‌شود که مشکلات و مسائل مورد نمایندگی پیدا گردند. نماینده مجلس وظیفه دارد تا با دسترسی کامل به محل نمایندگی، با شناخت و درکی که از دانش و تجربه خود از حوزه نمایندگی بدست می‌آورد به کنه مشکلات رسیده و در هم ترازوی فکری و ذهنی خود، رابطه‌ها و ماهیات بسترهای موجود را واکاوی نماید و در فراگردی از توانش شخصی خویش، مزیت‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بوم را جستجو و پیدا نماید. مضاف بر موارد فوق نماینده بومی می‌باید با بررسی و تطابق بوم خود با دیگر بوم‌ها به یک هم راستایی مفهومی رسیده و پیشنهادها و برنامه‌های بوم خویش را منطبق با دیگر بوم‌ها و در ترکیبی کلان کشوری مطرح نماید. این کنش ضمن هدایت بوم در کنار و موازات دیگر بوم‌ها، همپارچگی فعالیت‌ها و سیاست‌های کشوری را در یک کانال همگرا و همگام و در راستای اهداف کلان نظام کشوری، راهبری و تنظیم می‌نماید.

مرحله دوم

نماینده مجلس با درکی که از محیط مورد نظر نمایندگی و بوم تحت نمایندگی خود پیدا می‌کند، در مرحله فعالیت برون محیطی کنش‌های نقشی خود، آنچه را که از متن نمایندگی خود دریافته و کشف نموده، به "مجلس نمایندگان" می‌برد و در مطالعه و بررسی بین بومی با دیگر نمایندگان، راهکارها را در طبق مشاوره با دیگران در کمیسیون‌های تخصصی به منصفه قانون سازی می‌سپارد. در این مرحله نمایندگان مجلس با تنظیم فراگستر الزامات، قوانین و التزامات نیازی برای بوم و کشور را در یک راستای هم‌آورد و هم‌پارچه وضع نموده و به مرحله اجرا در حکومت و دولت محول می‌کنند. نمایندگان وظیفه دیگری را به عنوان مشاوره با دولت و تائید نیازهای حکومتی - دولتی داشته و لوایح را تائید و تصویب می‌نمایند. کلاً در این مرحله نمایندگان دست به معرفی و ارائه قوانین و الزامات به مبانی مورد نظر دست می‌زایند. یعنی نمایندگان مجلس در یک همگرایی هدفمند و نتیجه‌وار، نیازها و الزامات بستری بوم - کشور را پیدا و کشف نموده و در یک بستر هم‌پارچه برای اجرا قرار می‌دهند(سپارش به دولت و حاکمیت).

مرحله سوم

این مرحله بعد از تصویب قوانین و لوایح صورت می‌گیرد. نمایندگان با سپارش موارد برای اجرا، با استفاده از راهکارهای پیش بینی شده در قانون و بر اساس نقش ماهیتی که از جایگاه خود می‌گیرند بر امور اجرا نظارت می‌کنند و کنترل را به فرایندهای عملیاتی وارد می‌کنند. اینکه فراگردهای اجرا درست انجام می‌گیرند و اینکه چه اشکالاتی پیدا می‌گردند، دو اصل مهم هستند که در بازخور بسیار اهمیت دارند. یعنی اینکه در مرحله اجرا است که به نادرستی‌ها و خطاها پی برده می‌گردد و کاستی‌ها نمود می‌یابند. پس بر اساس فرایندهای بازخوری است که می‌توان به مطلوبیت‌انگاره‌ها و قوانین رسید. یا اینکه به نارسایی‌ها پی برده و دست به اصلاحات لازم زد.

مرحله چهارم

اگر فرایندهای قانون گذاری و تصویب لوایح در بازخورهای عملیاتی به بن بست برخورد و یا اینکه در مراحل اجرا به کاستی رسیده شد، می‌توان گفت که الزام به اصلاح می‌رسد. با این حساب مجلس دوباره وارد عمل می‌گردد و بر اساس تحلیل متن و تبیین مناسب، دست به تغییرات الزامی می‌زند.

پس در راستای بیانات بالا، شایستگی و توانمندی نمایندگی مجلس فقط در مدرک تحصیلی و گذار از فیلترهای پیش بینی شده نیست. بلکه نماینده مجلس باید قابلیت تجزیه و تحلیل بسترهای متن - بوم را دارا بوده و لازم است بر مبنای الزامات، مزیت‌ها و ضعف‌های موجود در هر منطقه به تبیین و تفسیر لازمه برسد. بنابراین آنچه که شاخص‌های اصلی نماینده مجلس هستند؛ توانایی (شناخت، درک، تحلیل، تبیین، تفسیر) بر اساس متن موجود و بوم است. نماینده مجلس باید بتواند محیط مورد نمایندگی را به خوبی بشناسد و بر اساس وضعیت منطقه و در موازات شاخص‌های کلان کشوری دست به ارائه بزند. بدین مفهوم که قاعدتا یک نماینده مجلس باید یک مدیر توانمند در نظر و عمل باشد.

احمد علینقی